

به بهترین در نظر سال نامه می‌شود
 ۱۹۰۷-1900) Giorgos Stilianos Seferis شاعر
 مکتوب‌نویس و دیپلمات یونانی. برنده جایزه نوبل ۱۹۶۲
 ۱۹۰۴-1904) Pablo Neruda شاعر و دیپلمات شیلی. برنده
 جایزه نوبل سال ۱۹۷۱
 ۱۹۳۲-1932) John Updike رمان‌نویس، داستان‌گو، نویسنده
 شاعر آمریکایی. برنده جایزه پولیتزر سال ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱

۱۷۷۴-1843) Robert Southey شاعر، مورخ و ادیب
 انگلیسی. وی در سال ۱۸۱۲ به عنوان ملک‌شهر برگزیده شد
 ۱۸۳۶-1836) A.S. Byatt نثرنویز، منتقد ادبی و رمان‌نویس
 انگلیسی. برنده جایزه بوکر سال ۱۹۹۱
 ۱۹۰۵-1930) William Butler Yeats شاعر و
 نمایش‌نویس ایرلندی. برنده جایزه نوبل ۱۹۱۲



اگر لقبی برای یک زن ادیب داشتیم

ترجمه: پیمان هاشمی نسب
 هنگامی که می‌خواستیم گورباچف و همسرش در سال ۱۹۸۷ به آمریکا آمدند، شماری از هنرمندان و بازرگان به افتخار آن‌ها به یک مهمانی دعوت شدند. در بین مهمانان، جوئیس کرول اوتس، رمان‌نویس و داستان‌نویس آمریکایی نیز حضور داشت. در آن مهمانی جوئیس از طرف گورباچف و همسرش مورد تحسین و تمجید فراوان قرار گرفت. اگر این تحسین و تمجید واقعی بوده باشد، قطعاً با آثار فراوان و شگرف اوتس از بیابان دارد.

اوتس اولین مجموعه داستان‌هایش *North Gate* را در سال ۱۹۶۲ منتشر کرد. او پیش از بیست رمان که هر کدام تقریباً به فاصله یک سال منتشر می‌شد، و نیز چندین داستان کوتاه، اشعار بسیار و مقالاتی به چاپ رسانده است. ضمن این که چندین کتاب مباح نیز با نام مستعار فروزاسوند اسمبته منتشر کرده است. حتی برای یک نویسنده پرکار و کوشا، چنین حجم کاری اگر رنگ خطری نباشد، باعث شگفتی است. آیا می‌توان به کیفیت این آثار اطمینان کرد؟ قطعاً و قطعاً گورباچف چند کتاب از اوتس خوانده است؟

اصل و نسب اوتس کاتولیک از مردمی روستایی و از طبقه کارگر جامعه است. پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری این او را در ایرو واقع در نیویورک، بزرگ کردند. جوئیس به دبیرستانی نزدیک پولاگو رفت و بعد از آن وارد دانشگاه سیراکوز Syracuse شد. جایی که در آن خوش درخشید. دونالد ای. دایک استاد نگارش ادبی، او را برجسته‌ترین دانشجویی که تا به حال دانشگاه سیراکوز دیده معرفی کرده است. نخستین موفقیت او تصاحب جایزه مسابقه

Mademoiselle College-Fiction بود. وی پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه درجه کارشناسی ارشد اش را در دانشگاه ویسکانسین Wisconsin گرفت سپس با ریچموند جوزف اسمیت که خود نیز استاد زبان انگلیسی است، ازدواج کرد. او از آن پس به مطالعه و تدریس در دانشگاه تدریس در دانشگاه Detroit و ویندسور Windsor در انتاریو کانادا پرداخت. او به تازگی به پرسنشنون نقل مکان کرده و در آن‌جا در دانشگاه تدریس می‌کند. و به همراه همسرش میو، بربری مجله‌ای به نام *The Ontario Review* را برعهده دارد.

منتقدان اغلب به موضوع دبیرستانی اوتس به خشونت اشاره کرده‌اند. و احتمالاً وجود انبوه قتل‌ها، تجاوزها و درد و رنج جسمانی در آثار اوتس بیش از هر نویسنده آمریکایی از زمانی فاکتور که آمارش تاثری قوی بر اوتس گذاشته است، بر این واقعیت تأکید دارد. او در پاسخ به این ترفی که آیا اثرش از دست‌نخورده است و یا خود مشغول کرده است و یا فقط احساسات دیگران را بریلو می‌کند که چنین برخوردی داشته‌اند، می‌گوید: ضمن در اعتراف خودم هم میل و هم ترس را حس می‌کنم، و شاید من فقط آن را از مردم دیگر جدا کرده‌ام. بومن شک این گفته، درباره دانشمندی ملال آور اوتس در بیان اتفاقات هولناکی که برای شخصیت‌های رمان‌ها و داستان‌هایش می‌افتد، توضیح قانع‌کننده‌ای نمی‌دهد. شاید بتوان گفت رمان *Them*، ۱۹۶۹ که برنده جایزه کتاب ملی شد، تأثیرگذارترین و جذاب‌ترین مظهر چنین رویکرد اوتس به اتفاقات است که در زندگی او تسل یک خانواده فقیر

در تدریس پیش آمده است. مورین وندال، قهرمان شیرزن رمان، در شازنده سالگی یک روسپی شده و چنان مورد ضرب و شتم ناپردی اش فرار می‌گردد که حالت جمود و خلسه به او دست می‌دهد، سپس دوباره به حالت اولی‌بار بازگشته و به همراه شخصیتی به نام جوئیس کرول اوتس، یک دوره نویسندگی را - بربری می‌کند. جوزف، برادر مورین نیز بعد از یک سری ماجراجویی مختلف یک افسر پلیس را در شورش تدریس به قتل می‌رساند و سرانجام به ضرب گلوله یک زن به قتل می‌رسد.

اوتس در مقدمه این رمان می‌نویسد: «در به تصویر کشیدن حوادث فلاکت‌بار و هولناک زندگی مردم فقیر هیچ گونه مبالغه‌ای صورت نگرفته است. اما یکی از منتقدان نخست آثار اوتس، موسوم به قرابت دالتون خاطر نشان می‌سازد: «آن قدر افعال خشونت فراوان و مداوم شده که خواننده نسبت به آن بی‌تفاوت شده و به نظر می‌رسد که دیگر اهمیتی برای خواننده ندارد»

به هر حال تأیید و یارد این اتهام، که اغلب از سوی منتقدان آثار اوتس صورت می‌گیرد، به عهده تک تک خوانندگان آثار اوتس است. اما بدون شک، موج واکنشی که در دو دهه اخیر در آثار اوتس دیده شده ما را در همسانی با وی دچار مشکل و اسیر وسوسه فراموش کردن اش می‌کند. با وجود رمان‌هایی که در دهه ۱۹۸۰ منتشر شد نظیر *The Mysteries of Winterthorn*, ۱۹۸۴ *A Bloodedoor*, ۱۹۸۰ *Bellefleur*، می‌توان جمع ماندگار برخی از طرفداران اوتس را محک زد.

بخش شمالی ایالت نیویورک مکان واقعی و نقطه تمرکز جغرافیایی رخدادهای آثار اوتس محسوب می‌شود. که در اثر *You Must Remember Tish* ۱۹۸۷ نیز به آن اشاره شده است. خود این اثر را می‌توان تا حدودی این‌گونه تاریخ آمریکا در دهه ۱۹۵۰ به‌حساب آورد. اثر دارای اطلاعات بسیار شفافی از ورزش بوکس است که احتمالاً مشابه آن در هیچ کتابی نامده است.

اثر *Golden Glove* نه تنها وضوح فراوان درباره زندگی بر روی رنگ مشی زن دارد، بلکه یک باز دیدار از جغرافیای نیویورک را به تصویر می‌کشد که شخصیت‌های داستان اش در حال غرق شدن در جریان زندگی تحمل می‌کنند. هنوز فرصت آن نویسنده است تا به کشف تفاوت‌ها میان آثار مختلف اوتس نایل شود، اما او در حال خلق کتابی است که تحسین جان آبدایک را نسبت به وی جدی‌تر می‌نماید. آبدایک می‌گوید: اگر برای زن ادبیه تقسی‌فلسفیم که می‌بایست نصیب برجسته‌ترین نویسندگان زن آمریکا شود، قطعاً جوئیس کرول اوتس آن را تصاحب می‌کند.